



ربا

در حالت

توره و ضمان سقوط پول

تألیف:

احمد عابدینی

۱۳۹۴

سرشناسه	: عابدینی، احمد، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ربا در حالت تورم و ضمان سقوط پول / تالیف احمد عابدینی.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۳]
مشخصات نشر	: اصفهان : دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، معاونت پژوهشی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۴ ص.
فروست	: باز اندیشی در آموزه‌های دینی؛ ۲.
شابک	: 978-964-10-3225-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: اقیانوس معرفت، ۱۳۸۸.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۱۸-۳۱۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: بهره (فقه)
موضوع	: کاهش ارزش پول (فقه)
موضوع	: مسئول پولی
شناسه افزوده	: آشناسنگ: د. اسلامی. واحد خوراسگان. معاونت پژوهشی
رده بندی کنگره	: ۳۹۲ ۱۷/ع/۶/۱۹۰ BP
رده بندی دیویی	: ۲۲/۲۶۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰ ۱۱۳۲



ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
 نشانی: اصفهان، خیابان جی، صندوق پستی: ۸۱۵۹۵ ۱۵۸
 تلفن: ۰۹-۳۵۳۵۴۰۰۱-۳۱، فاکس: ۰۶۰-۳۵۳۵۴۰۳۱-۳۱، Email: info@kuis.ir

ربا در حالت تورم و ضمان سقوط پول

احمد عابدینی

- تعداد صفحات: ۳۲۴ صفحه رنگی
- مدیر تولید: فاطمه دادرس
- شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه
- لویت چاپ: اول / ۱۳۹۴

قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۰-۳۲۲۵-۱۰-۹۶۴-۹۷۸-978-964-10-3225-0 ISBN

تقدیم به

عدالت‌گستر جهان

انسان‌ها پیوسته خواستار همنشینی و همصحبتی با بزرگانند و نیازمند لطف و عنایت آنان. و هر چه نیاز بیشتر شد، تمنا نیز بیشتر است. یکی از راههای جلب محبت دیگران تقدیم هدیه است؛ هرچند کوچک باشد.

به همین دلیل نگاشته این اثر ناچیز را که در راستای شناخت عدالت در بعد تضاد و اجرای آن و رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و مبرر - رعایت عدالت‌گستر جهان - حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد، به پیشگاه آن بزرگ - که جانم فدای خاک پای او باد - تقدیم می‌کنم.

امید است که با صفت بنده‌پروری‌اش، راه سلخ را از موری ضعیف قبول نماید تا به یمن این قبول، خداوند مآز نظری به ما دورگشتگان از مسیر عدالت بیفکند و قلب‌هایمان را به نورش منور کند تا از تنگ‌نظری‌ها، حق‌کشی‌ها، ستم‌ها و... بپرهیزیم و انسان‌های مورد رضایت او شویم و به فیض دیدن چهره مبارک آن عدالت‌گستر حقیقی نایل آییم.

دین در شرایطی به عرصهٔ حیات فردی و اجتماعی بشر پا نهاد که خواسته‌های آدمی به شکل ابتدایی خود بود. هم‌زمان با پیشرفت و تحوّل جوامع بشری، رویکردهای بشر نسبت به دین، تغییر یافت و خواسته‌های متفاوتی از دین پیدا نمود. به دیگر سخن، پیش از این از منظر «تجلیل» به دین می‌گریست، ولی دیری نپایید که در مقام «تحلیل» نشست و درست در همین زمان به «اصلاح» و «بازاندیشی» روی آورد.

حضرت آیه‌الله عابدینی با آگاهی از لزوم حضور این دو مسأله در عرصه پژوهش‌های دینی، تحلیل مقوله‌های دینی و فقهی پرداخته است.

وی از دانش‌مندان حوزهٔ علمیه است که پیش از آن در رشتهٔ فیزیک دانشگاه اصفهان تحصیل می‌نمود، اما به دلیل علاقه به مباحث فلسفی، دانشگاه را رها کرده به دامان حوزه می‌پرد. به درجهٔ اجتهاد نایل می‌شود.

ایشان در فقه و اصول از محضر اساتید برجستهٔ حوزهٔ علمیه قم و اصفهان و لبنان همچون حضرات آیات عظام منتظری، میرزوی، فاضل لنکرانی، مجلسی، صانعی و سید محمد حسین فضل‌الله بهره‌گیرنده و سالیانی چند جزء هیأت استفتائات آیت‌الله اردبیلی بوده و علوم فلسفی را از محضر حضرات آیات حسن‌زادهٔ آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ایزدی نیشابوری استفاده نموده‌اند.

از خصوصیات منحصر به فرد ایشان ملازمت دائم با علوم قرآنی و تفسیر می‌باشد به گونه‌ای که از ابتدای ورود به حوزه در تفسیر از محضر بزرگانی همچون حضرت آیت‌الله ایزدی و در قم از محضر آیت‌الله جوادی آملی بهره

جسته و سالیان متمادی جزء محققان و نویسندگان «تفسیر راهنما» بوده‌اند و این اشتغال تا کنون با تدریس تفسیر ادامه دارد.

ایشان روز به روز کوله بار علمی خویش را پربارتر می‌کند تا این که بر مسند تدریس فقه، تفسیر و فلسفه می‌نشیند.

و در زمینه فقه و قرآن تا کنون مقالات متعددی به رشته تحریر درآورده که در مجلات معتبر ایران و لبنان منتشر شده است.

هم چنین کتاب‌ها، ارزشمندی را در این زمینه‌ها به جامعه علمی کشور اهدا نموده است که نام اغلب مقالات و کتب ایشان در انتهای همین اثر آمده است.

در زمینه روحیه علمی ایشان آنچه به نظر می‌رسد این است که علاوه بر روحیه نقادی از نقدپذیری بزرگ‌تری نیستند، یعنی همان‌گونه که نقادانه به مسایل گوناگون می‌نگرد، نقدها و انتقاداتی دیگر اندیشمندان را مورد توجه قرار می‌دهد.

مؤلف اندیشمند، در این اثر در صدد پاس‌گویی به دو مشکل اساسی برخاسته از تورم و کاهش ارزش پول است.

در بخش اول با دلایل متعدّد ثابت نموده که در فرض عدم پول، توان خرید قرض داده می‌شود؛ بنابراین در وقت ادای دین، طلبکار می‌تواند همان توان خرید را پس بگیرد و تفاوت رقم و عدد پول (قرض داده شده) با پول (پس گرفته شده)، ریانمی باشد.

در بخش دیگر هم بر آن بوده تا اثبات نماید که ایجادکنندگان تورم و بهره‌برداران از آن، به مقدار نقش و بهره خویش، ضامن هستند و سکوت خسارت‌دیدگان، نارسایی قوانین و... از ضامن بودن آنان نمی‌کاهد.

امید آنکه این اثر، گامی در تحقق تعالی و پیشرفت علمی به شمار آید.

مقدمه ویرایش سوم

مسائل مستحدثه و مباحث نو پیوسته نیاز به تجدید نظر دارد، زیرا خود نو بودن و سابقه نداشتن سبب می‌شود که پژوهشگر نتواند به تمامی زوایای آن آن‌گونه که بایسته است پی ببرد؛ این کتاب را دو بخش اصلی تشکیل می‌دهد. بخش اول «ریا در حال ترم» است که در چندین باری که به صورت مقاله یا به صورت کتاب چاپ شده، عدها و بازنگاری‌های متعددی به خود دیده است. لذا هم نوشته به سطح قابل موفی‌القیابدا کرده و هم به مرور زمان جای خود را در ذهن صاحبان فتوا باز کرده است. نمونه‌ای که این نظر که بیش از بیست سال پیش کاملاً مهجور و شاذ بود، امروزه مورد فتوای زیادی از اهل فتواست. اما بخش دوم کتاب که سخن از ضامن بودن کسبه است که تورم را ایجاد کرده یا از آن سوءاستفاده کرده و ثروت‌های هنگفت آنرا به دست و پا کسانانی که بدهی مردم رانداده یا نمی‌دهند تا از آن حداکثر بهره را ببرند، در ماه‌های متعدد چاپ نشد و طبعاً با نقد و اشکالی نیز مواجه نشد و به حد مطلوب نرسید تا از حسن تقدیر، تدریس برخی درسهای دانشجویان دکتری حقوق خصوصی به نگارنده محول شد و وقتی با سنوالات گوناگون آنان مواجه شدم این کتاب را به آنان معرفی کردم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و من نیز

حسن استفاده را کردم و از آنان خواستم تا به جای تعریف و تمجید به نقد
مباحث آن پردازند که مورد قبول واقع شد، نگارنده به مقداری از آن نقدها در
بازنگاری ترتیب اثر داد و نواقصی را حتی المقدور برطرف کرد. با این حال
شایسته است که نقدها از سوی نقادان محترم به صورت مجزا و کامل چاپ
شود تا اصل بحث ضامن بودن عوامل تورمزا جای خود را باز کند و زمینه
قانونی کردن جریان خسارتهای ناشی از آن فراهم شود و ان شاء الله قانونی
تصویب شود که ضمیم کننده حقوق همه طرفها باشد.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۵	سخت‌نار
۲۰	چرا سکه که این بحث انتخاب شد؟
بخش اول: ربا و تورم		
۲۷	چکیده
۲۸	ربا و تورم
۲۹	پول چیست؟
۲۹	فواید پول
۳۰	تفاوت درهم و دینار با پول اعتباری
۳۱	تاریخچه پول
۳۳	سکه‌دار شدن طلا
۳۴	حواله، راهکاری جدید
۳۴	شروع پیدایش پول
۳۵	اسکناس و دنباله‌های آن
۳۷	تفاوت درهم و دینار با اسکناس در سقوط
۳۹	ربا در لغت و شرع
۴۱	«مِثْل» در لغت

۴۳ مراد از «مثلی».
۴۴ مراد از مثلی و قیمی
۵۸ بررسی سخن فقیهان
۵۹ معیار در پرداخت قرض
۵۹ معیار در بازپرداخت بدهی
۵۹ نزدیک‌تر به حق و عدالت
۶۰ حکم افزایش اعتبار پول
۶۱ رابط پول، مثلم و قیمی
۶۵ اسکناس نه شتر است نه قیمی
۶۹ قاعده عدالت
۷۱ آیات (مستند قاعده عدالت)
۷۸ روایاتی پیرامون قاعده عدالت
۷۸ عدالت و عقل
۷۹ بازپرداخت قدرت خرید؛ مقتضای عدالت
۸۱ علت مطرح نشدن «قدرت خرید» در روایات
۸۲ تفاوت‌های پولی زمان ما با صدر اسلام
۸۲ ۱. ارزش ذاتی داشتن پول‌های صدر اسلام
۸۳ ۲. وام‌های کوتاه‌مدت صدر اسلام
۸۵ چند نکته
۸۶ مصرفی بودن وام‌های صدر اسلام
۹۰ ناچیزی تورّم در صدر اسلام
۹۰ شواهدی بر اندک بودن تورّم در قدیم
۹۲ نمونه‌هایی از روایات
۹۵ محاسبه قدرت خرید

۹۶	قدرت خرید از منظر آیات و روایات
۹۷	آیات
۱۰۰	سرمایه چیست؟
۱۰۲	دیگر آیات مؤید پرداخت قدرت خرید
۱۰۴	نکته‌ها
۱۰۶	روایات
۱۰۶	تغییر و تبدیل درهم‌ها
۱۰۹	متعلق حقیقی زکات
۱۱۱	روایات متعارض در باب سقوط درهم‌ها
۱۱۳	راه‌های جمع بین آیات
۱۲۵	خلاصه بحث در آیات هم‌های ساقط شده
۱۲۵	روایات باب ربا
۱۲۸	علت ترک شدن قرض الحسنه
۱۳۱	نتیجه‌گیری
۱۳۳	فتاوی‌ای فقهای عصر ما
۱۳۵	پاسخی به نقد مقاله «ربا، تورم و ختمان»
۱۳۸	اشکال نخست: مراد از اجماع
۱۳۸	بررسی
۱۴۰	حجیت اجماع
۱۴۱	اشکال دوم: مراد از ارزش ذاتی و ارزش اعتباری
۱۴۵	بررسی
۱۴۶	معانی ذاتی
۱۴۸	اشکال سوم: بررسی تعریف پول
۱۴۹	بررسی انواع تعریف و سؤال

- اشکال چهارم: چگونگی خلق پول ۱۵۲
- بررسی: پول تحریری ۱۵۳
- اشکال پنجم ۱۵۴
- بررسی ۱۵۶
- تفاوت قرض با اجاره و عاریه ۱۵۷
- اشکال ششم: مثلی و قیمی ۱۶۰
- بررسی: مثلی، یعنی همگونی در تمامی جهت‌ها ۱۶۱
- بررسی: آفت نقایض قول‌های ناقص ۱۶۳
- پول نه مثلی است؛ قیمی ۱۶۴
- بررسی ۱۶۷
- مراد از مالکیت حقیقه و مالیت اعتباری ۱۶۷
- اشکال هفتم ۱۷۰
- اشکال هشتم ۱۷۲
- بررسی ۱۷۲

بخش دوم: ضمان

- عمومیت قائده اتلاف ۱۸۰
- بررسی ۱۸۵
- رابطه ایجاد تورّم و اتلاف مال مردم ۱۸۹
- تعریف مال ۱۹۱
- تلف‌نمایی یا زیان‌رسانی؟ ۱۹۲
- بررسی ۱۹۷
- ماهیت عوامل تورّم‌زا یا کاهش‌دهنده ارزش پول ۲۰۲
- صلاحیت؛ شرط لازم برای پذیرش مسؤولیت ۲۰۴

۲۰۵	آیات
۲۰۶	روایات
۲۱۰	تباه کردن اعتبارات
۲۱۲	یک مثال واقعی
۲۱۴	حاکمیت دولت و ضمانت افت ارزش پولی
۲۱۶	بررسی و تحقیق
۲۱۹	دلایل ضامن بودن حکومت‌ها از دیدگاه اسلام
۲۲۱	سأتم، پیرامون حدیث «لاضرر»
۲۳۸	بیره معصومان و ضامن بودن حاکم
۲۳۸	الف. کاتبی، سیمه به دست خالد بن ولید
۲۴۰	ب. جبرانشیریان، از ترس
۲۴۲	چند نکته
۲۴۳	محدوده ضررهایی که باید از آن شود
۲۴۶	رابطه هشدار با جبران ضرر
۲۴۷	چاپ و نشر اسکناس از باب مسئولیت حکومت یا تصدی؟
۲۴۷	تاریخچه پول با نگاهی دیگر
۲۴۸	حواله به جای سکه
۲۴۹	اسکناس به جای حواله
۲۵۰	دولت‌ها متصدی چاپ اسکناس
۲۵۳	ضمانت دولت در قبال کاهش ارزش پول
۲۵۲	ضمانت ایجادکنندگان تورم
۲۵۷	چگونگی برآمدن از عهده ضمانت‌ها
۲۵۹	ضامن بودن سرمایه‌داران
۲۶۴	خلاصه

۲۶۵ پیوست
۲۶۵ آشنایی با آیت‌الله مطهری
۲۶۶ بُعد فقهی آیت‌الله مطهری
۲۷۳ فلسفه حرمت ربای معاملی
۲۷۶ شرح سخن استاد
۲۸۱ فاسده تحریم ربای قرضی
۲۸۳ بررسی حکم ربا در معدود
۲۸۵ حکم ربا در مسیحات
۲۸۸ حرمت ربا دره بدو و جبران آن در قیمی
۲۹۰ نسبت اخبار ائمه اطهار با انجیل پیامبر
۲۹۱ نسبت دستورهای دین با آه و آس مردم
۲۹۲ قضایای شخصیه در روایات
۲۹۴ علت ظاهرگرایی در الفاظ معاملات
۲۹۵ رابطه اطلاق و عموم با فلسفه حکم
۲۹۶ برابند حکمت‌ها، علت تحریم ربا
۲۹۸ حکم ربای معاملی در خرمای یک درخت
۳۰۳ حکم ربای معاملی در میوه یک درخت
۳۰۶ آزادی جبلی انسان
۳۰۷ آزادی راسخ‌تر از عدالت
۳۰۹ فهرست آیات
۳۰۹ فهرست روایات
۳۱۵ فهرست منابع
۳۱۷ برخی آثار دیگر مؤلف

پیشگفتار

سپاس و ستایش خداوندی را سزاوار است که نه تنها انسان را به بهترین شکل و با بیشترین امکانات آفرید، بلکه پیوسته او را هدایت کرد تا به سر منزل مقصود برسد.

و درود بر من انش به ویژه آخرین آنان، حضرت محمد ﷺ که برانگیخته شدند تا دلمان، راه قسط و عدل را بپیمایند و پیوسته ندای عدالت سر دادند تا انسان‌های سر هوس گشته و آنان که بند و زنجیرهای ظاهری و وهمی - که گاهی به صورت علم یا دین نمود می‌یابد و در واقع خرافات و کج فهمی است - سراسر وجودشان را گرفته، با دلایل روشن و به وسیله آنچه که مورد قبول خرد و اندیشه است، را همایی کنند تا خود به پا خیزند و به سوی عدالت رهسپار شوند.^۱

و درود بر اهل بیت پاک و پاکیزه او به ویژه امام عا، الت خواه و عدالت گستری که در جایگاه عبادتش به دلیل عدالتش^۲ کشته شده و رفتن او، آرزوی حکومت عادلانه تاکنون و شاید برای همیشه بر دلها ماند.

۱. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾. (حدید / ۲۵)
۲. «قُتِلَ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتُهُ لَشِدَّةِ عَدْلَانِهِ».

البته افراد و گروه‌های فراوانی آمدند و دم از انصاف و عدالت زدند و سخنان شیرین گفتند، ولی چون به مسند قدرت تکیه زدند:

(۱) یا حفظ قدرت را برگسترش عدالت ترجیح دادند و محاسبه کردند که علی علیه السلام با آن سابقه درخشان و آن همه اصرار مردم برای به حکومت رساندن وی، حکومت عادلانه‌اش بیش از پنج سال و اندی دوام نیافت؛ پس حساب - یگراز روشن است. بنابراین مصمم شدند که کفه ترازو را به نفع قدرسه ریزان عدالت، منحرف سازند تا دولت و ملک بماند؛ هرچند عدالت در پای آن ذبح شود.

(۲) یا خواستند عدالت را اجرا کنند ولی چون به آن آگاهی نداشتند و پوسته و ظاهر الفاظ شریعت را دیدند، از فهم اعماقش فرو ماندند، کارهایی انجام دادند و سخنانی بیان داشتند که از نظر خودشان عدالت بود، ولی در واقع ظلم و اجحاف بود.

(۳) یا هر دو مشکل را با هم داشتند؛ یعنی عدم طلب و جهالت دست در دست هم داد و عدالت را قربانی ساخت. این شده از زمان شهادت آن امام همام، نور تابنده عدالت به محاق رفت و ظلمت همه جا را فرا گرفت و تنها امیدی که در دل آدمیان باقی ماند، آرزوی ظهور فرزند عدالت‌گسترش - حضرت مهدی روحی لثراب مقدمه الفداء - شد تا یک بار دیگر بازار عدالت رونق یابد و چهره‌های نفاق و دورویی عدالت‌خواهان لفظی و دنیاپرستان واقعی، روشن گردد.

به هر حال زمینه‌سازی برای ظهور آن دادگستر واقعی، وظیفه ماست و راهکاری که در اختیار داریم، فهمیدن و فهماندن عدالت در تک تک

مصادیق موجود در جامعه است تا آدمیان بر اساس سرشت پاکشان به سوی آن حرکت کرده و از ظلم و جور پرهیز کنند.

از جمله مصادیق عدالت، عدالت اقتصادی است که در زمان ما نه تنها رعایت نشده، بلکه با فهم غلط از کتاب و سنت، مردم به راه ظلم کشیده شده‌اند و بر آنها اجحاف‌های فراوانی شده، جیب‌هایی پرگشته و برج‌هایی بالا برشته و در مقابل، خانه‌های زیادی ویران شده و افراد فراوانی به خاک سیاه نشانده شده‌اند.

از جمله ندانسی‌های عده‌ای و زیرکی عده‌ای دیگر که موجب شد سرمایه و اموال مردم در جیب گروهی خاص ریخته شود، تشخیص ندادن تفاوت امور اعتباری و اموالی است.

اسکناس و پول امروزی که کاعای اعتباری بود و ارزش ذاتی نداشت با طلا، نقره و سایر اشیایی که سرشان این ارزش داشتند، درآمیخت و زیاده‌گیری در قرض که در شرع مقاس، حرام است و مربوط به امور دارای ارزش ذاتی است در رقم و عدد پول، اعتباری نیز پیاده شد و به مردم اعلام شد که پول‌ها و نقدینه‌های خود را در بانک‌ها، قرض الحسنه‌ها و شرکت‌ها و... بگذارید تا علاوه بر باقی ماندن مالتان، ثواب‌های الهی را از آن خود کنید و چرخ‌های اقتصادی کشور نیز به حرکت درآید. به یک کرشمه سه کار برآید. مردم مخلص و ثواب‌خواه و خواهان پیشرفت کشور به این سخن گوش دادند و نقدینه‌های خود را برای این امور به بانک‌ها و... سپردند و حتی تشویق‌ها موجب شد که اموال غیر نقدی را نیز نقد کنند و به بانک‌ها بسپارند. اما ندانم‌کاری مسئولان از یک طرف و تضادهای درونی حکومت از طرف دیگر و جنگ و ویرانی از دیگر سو چنان بلایی بر سر

پول‌های مردم آورد که آن رقم از پول که صاحب آن می‌توانست یک کیلوگرم طلا بخرد، امروزه برای خریدن یک سیر طلا نیز کافی نیست و به اصطلاح دلار شش تومانی به شش صد تومان و بیشتر معامله شد.

اگر کسی به مخیله‌اش خطور می‌کرد یا صدایش بلند می‌شد که پول من به نزد شما قرض گذاشتم چنان ارزشی داشته و امروز این چنین بی‌ارزش شده، می‌گفتند: زیاده گرفتن بیش از همان پولی که قرض داده‌ای، ربا و حرام است. پانصد هزار تومان، بیست سال پیش داده‌ای، این هم پنجاه هزار تومان، سال‌ها نوبت داده‌ایم. تازه باید ممنون امانت‌داری ما نیز باشی. بیچاره مؤمن از ترس افتادن در دام ربا سکوت کرد و به خانه‌خرابی خود و نابودی هستی خود ضایعیت داد.

اما جای این سؤال باقی ماند که آیا واقعاً دین یا فقه همین را می‌گوید و هر زیاده‌ای را ربا می‌داند یا کج‌بهمی عده‌ای و زیرکی عده‌ای دیگر، اوضاع را به این صورت درآورده است؟ در همین راستا **بخش اول** کتاب در صدد پاسخ‌گویی به همین شبهه است و بر آن است تا اثبات کند که زیاده‌گیری و فحش ربا حرام است. اما هنگامی که تورم وجود دارد و یا پول به شدت سقوط می‌کند، ربا دهنده می‌تواند ارزشی مساوی ارزش قرض داده شده، تحویل بگیرد. رقم و عدد پول هر چه که باشد.

همچنین این بخش، ضمیمه‌ای دارد که پاسخ به برخی از منتقدان است که می‌تواند راهگشای برخی از اجمال‌گویی‌ها باشد.

بخش دوم کتاب، در صدد اثبات بدهکار بودن و ضامن بودن کسانی است که یا موجبات سقوط پول را فراهم آورده‌اند یا از بازار آشفته استفاده

کرده و پول‌های کلانی به دست آورده‌اند و دانسته یا ندانسته با سخنان اختلاف‌انگیز، فاش کردن اسرار، تاراج دادن اموال، به راه انداختن جنگ‌ها و نزاع‌ها، چاپ کردن پول اضافی، بورس‌بازی، استقراض و... موجب شدند که ارزش پول کاهش یابد.

افزون بر این، تنها نباید گفت که قرض دهنده، حق دارد ارزشی معادل ارزش قرض داده شده را تحویل بگیرد، بلکه باید گفت آنچه که در گذشته اتفاق افتاده و قرض دهندگان، ارزشی معادل ارزش قرض داده شده را نگرفتند را این امر به سبب انباشت ثروت در نزد گروهی و فقر و بدبختی اقشار بسیار و بی‌ثباتی قابل بررسی است و نمی‌توان مانند برخی عوام گفت: «بر گذشته‌ها حملات»^۱. زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از به حکومت رسیدن، در مورد اموالی که از راه سرام با حاتم بخشی‌های غلط عثمان نزد عده‌ای خاص قرار گرفته بود فرمود:

«والله لو وجدته قد تزوجت النساء و ملكت به الاماء لرددته فان في العدل سعة»^۱

سوگند به خداوند حتی اگر یافته‌ام که با آن اموال، ازدواج شده یا کنیز خریداری شده، باز آن اموال را بر سر زنم؛ زیرا عدالت گشایش می‌آورد.

و سرانجام بخش سوم کتاب، مقاله‌ای است که پیرامون اشکالی با اندیشه‌های شهید مطهری نگاشته‌ام و روشن ساختن مطالبی که بنده در بحث ربا، تورم و ضمان نوشته‌ام، دغدغه اصلی شهید مطهری و متفکرانی نظیر وی نیز بوده است.

۱. صحیحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

چه شد که این بحث انتخاب شد؟

اما چرا از بین تمام مباحثی که پیرامون امور اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، این بحث انتخاب شد، سرگذشتی شنیدنی دارد.

وقتی اولین مقاله تحقیقی فقهی اینجانب پیرامون ذبایح اهل کتاب در سال ۱۳۷۶ در مجله فقه منتشر شد،^۱ برخی از دوستان محقق و دانشمند به آن به دیده تحسین و اعجاب نگریستند و کلمات آنان، مرا بر توان فقهی خود در طرح مباحث نو دلگرم ساخت تا این که یکی از آن بزرگواران روزی مرا خواست و ضمن گفتگوی نسبتاً طولانی ابراز داشت که اگر چه مسأله حلال بودن ذبایح اهل کتاب، موضوعی نو، فقهی و مفید است اما مسائل مهم تر، کاربردی تر و تخصصی تر وجود دارد که اگر فکر و توانت را در آن راه مبذول داری، نوشته‌های من امیدتر خواهد بود. سپس فرمود: «آیا پیرامون مسأله پول و ربا و امثال آن فکر کرده‌ای؟»

من چون سابقاً این مسائل در فکر من سرنگون شده و با تمام وجود پذیرفته بودم که دین، عادلانه است و نمی‌تواند در آن دستورهایی غیر عادلانه وجود داشته باشد و بسیاری از معاملات در آن زمان ما ناعادلانه است، به تحقیق و تفحص پرداختم و با استفاده از آیات و روایات و کلمات فقیهان، دریافتم که ربای قرضی هنگامی حرام است که قرض دهنده، واقعاً ارزشی بیش از ارزش قرض داده شده را پس بگیرد.

مطالب را در مقاله‌ای نوشتم و در آن زمان برای کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام تأثیر «نقش زمان و مکان در اجتهاد» فرستادم

۱. مجله فقه (کاووشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۶، ۱۳۷۴.

که مورد پسند قرار گرفت و بنا شد در مجموعه آثار آن کنگره چاپ شود. چون این بحث، در آن زمان بسیار جنجالی بود، برخی از دوستان از روی شوخی یا طنز می‌گفتند: «عابدینی ربا را حلال کرده است» و بنده نیز حساس بودم که نکنند خدای نکرده گامی خلاف فقه و آیات و روایات برداشته باشم، قبل از چاپ، نسخه‌هایی از آن را تکثیر کردم و به برخی از مراجع معظم تقلید و برخی از فضلا و محققان حوزه دادم تا اشکال‌های آن بیازمایند، ولی هیچ‌کدام اشکال اساسی به مطالب آن وارد نساختند، در همان زمان منتهای از مقاله را به یکی از نمایندگان آن وقت مجلس شورای اسلامی دادم.

پس از چند ماهی، بحث محاسبه مهریه زن بر اساس نرخ روز از سوی نمایندگان تصویب شد و شرور نگهبان نیز آن را خلاف شرع تشخیص نداد که احتمال دادم آن مقاله در شرح و توضیح و رأی مثبت به آن شریک شده است.

به هر حال مقاله مذکور با عنوان «ریا و تزیم» در جلد یازدهم مجموعه آثار کنگره به چاپ رسید.^۱ پس از چاپ، افراد شریک آن را خواندند و هر کسی به گونه‌ای رضایت خود را از آن اعلام کرد، من نیز یکی از مراجع بزرگ^۲ تمامی نوشته را با دقت خوانده و حتی غلط‌های تایپ آن را اصلاح کرده بودم، تنها در بحث پیدایش بانک - که من آن را مشتق از «بانک» - استه بودم - در حاشیه مرقوم فرموده بودند، بانک از کلمه bank به معنای ساحل

۱. مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، ج ۱۱، صص ۲۷۶ - ۲۲۱. ۲. حضرت آیت‌الله العظمی منتظری.

گرفته شده است. از این همه وقت گذاشتن بر روی نوشته این جانب و توجه به نکات ریز، بسیار خوشحال شدم. نزد ایشان رفتم و نظرشان را بیشتر جویا شدم، فرمود: «من مقاله شما را کامل و با دقت خواندم و آن را قبول دارم». این جمله برای من خیلی مهم بود.^۱

به ر حال برخی از محققان گفتند که این بحث ناقص است و باید مضموم شود آیا کسی که موجب سقوط پول شده، ضامن است یا خیر؟ آیا بانک یا سندوقه عرض الحسنه‌ای که پول‌ها نزدشان می‌ماند و با آن سود کلانی می‌برند، قابل سقوط ارزش پول مردم ضامن هستند یا خیر؟

با نشاطی تازه وارد کار شدم و حجم مقاله قبلی تقریباً به سه برابر ارتقا یافت. قسمت اول آن تحت عنوان «ربا، تورم و ضمان» در تابستان ۷۶ به چاپ رسید.^۲ پس از آن در هفته‌نامه «عصر ما» معرفی خوبی از آن انجام گرفت و در خرداد سال ۷۷ تمامی مقاله، طی روزهای متعدد در ستون اقتصادی روزنامه «سلام» به چاپ رسید.

همه این امور، از سویی تشنگی جامعه به مباحث نو، تحقیقی و عمیق را نشان می‌داد و از سوی دیگر، مشوق بنده برای ادامه کار بود. از این که نوشته‌ام از سوی تمامی نحله‌های فقهی و گروه‌های سیاسی مورد توجه قرار می‌گرفت، خوشحال بودم و کار برای قسمت دوم مقاله را که بسیار مشکل بود، همچنان ادامه می‌دادم. علت مشکل‌تر بودن بحث قسمت دوم این بود که اولاً پول اعتباری در صدر اسلام و زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام و فقهای گذشته وجود نداشته تا بحث از ضمان ارزش آن به میان بیاید. و ثانیاً امروزه بحث حقوق حاکمیت و غیر آن، در کتاب‌های حقوقی مطرح شده و از

بحث‌های جدید است و نگارنده در آنها تخصص ندارد.

بنابراین از مشکلات اصلی کار، این بود که بحث‌های فقهی، اقتصادی و حقوقی باید با هم آمیخته می‌شد تا نتیجه‌ای مطلوب حاصل شود. به همین دلیل، پس از نوشتن هر بخش، آن را به برخی از دوستان اهل علم که دارای مدرک فوق‌لیسانس اقتصاد بودند و برخی دیگر که دارای مدرک فوق‌لیسانس حقوق بودند می‌دادم تا اشکال‌های بحث را مطرح کنند. پس از جمع‌بندی و رفع اشکالات هر دو گروه، آن را بازنویسی می‌کردم. سپس طی چند سه‌نوبته‌های خود را خدمت یکی از مراجع تقلید^۱ خواندم و ایشان با بررسی، سرش دادند و اشکال‌ها و پیشنهادهای خود را مطرح ساختند.

و سرانجام قسمت دوم شامل شد و در مجله فقه «کاوشی نو در فقه اسلامی» شماره ۱۸-۱۷ در زمستان ۱۳۷۱ به چاپ رسید و پس از آن، نشر نقطه در تابستان ۱۳۸۱ آن را با نام «ریا، تورم و ضمان» منتشر ساخت.

چون نسخه‌های کتاب نایاب شد و با انتشار فراوان، دسترسی به ناشر نیز برایم امکان‌پذیر نگشت، دوباره کتاب چاپ، بررسی، ویراستاری و آماده چاپ مجدد گردید. و برای کامل شدن بیشتر بحث خلاصه نقد جناب آقای احمد علی یوسفی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) که در مجله فقه شماره ۲۰ - ۱۹ چاپ شده، همراه با جوابی که نگارنده در شماره ۲۲ - ۲۱ همان مجله به ایشان داده‌ام در ذیل بخش اول آورده شد و چون نام قبلی گویای محتوای کتاب نبود، نام جدید «ریا در حالت تورم و

۱. حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی.

ضمان سقوط پول» بر آن نهاده شد.

در پایان ضمن تشکر از تمامی کسانی که تاکنون با پیشنهادها، انتقادهای، تشویق‌ها و... در ثمر رساندن این اثر، زحمت کشیده‌اند، از خوانندگان محترم تقاضا دارم که برای پیشرفت علم، نوشتار حاضر را با دید انتقادی بخوانند و سعی نمایند با دقت، نقد و بررسی، علم را گامی جلوتر ببرند؛ زیرا علم و وقت هیچ فرد و گروهی نیست و هیچ نوشته‌ای بی‌اشکال و بی‌نقص نیست.

این جانب آنچه از نظرات افراد فراوانی استفاده کرده‌ام و وقت بسیاری از عزیزان را گرفته‌ام را سلاش بر سر دهم تا آنجا که امکان داشته بحثی جامع و کم‌نقص را ارائه دهم، اما به هر حال نکات یک موجود مادی و همچنین فکر و ذهنش، محدود است و خودش به ناتوانی خود معترف.

به امید این که دیگران این راه شروع شده را طی نمایند یا حداقل اشکالات، پیشنهادها و شبهات خود را از طریق سایت یا سایت برای مؤلف ارسال کنند تا نظراتشان - ان شاء الله - در بارور شدن بیشتر بحث مفید واقع شود.

پیشاپیش از نظرات، پیشنهادات و نقد و اثبات‌های خوانندگان کرامی تشکر می‌کنم.

احمد عابدینی